

بدون شعور لازم

ازدواج ممنوع



گردآورنده:

فهیمة برخوردار

(درمانگر و مدرس حوزه ازدواج و شکست های عاطفی)

ازدواج ممنوع

سلام

به شما تبریک می گویم که به این سطح از آگاهی رسیده اید که ازدواج موفق نیاز به کسب آگاهی دارد و برای کسی این آگاهی اقدام کرده اید.
کتاب "ازدواج بدون شعور لازم ممنوع" کتابی کم حجم ولی پر محتوا است که یقین می دانم اگر افراد در آستانه ازدواج تنها مطالب ساده سازی شده این کتاب را قبل از انتخاب همسر مطالعه کنند و به کار ببندند، هزاران ازدواج در برابر شکست ایمن خواهد شد.

فهمیه برخورداری
درمانگر و مدرس در حوزه ازدواج و شکست های عاطفی

WWW.ENTEKHABEZENDEGL.COM

TELEGRAM: @TADBIRGARERAHEAMN

HTTP://INSTAGRAM.COM/TADBIRGARE.RAHE.AMN

ازدواج ممنوع

ازواج معنوع

خبرخوان امید ایران

- بخش سوم: تا کی ادامه بدهم؟..... ۱۴
- دیروز اومدن خواستگاری، امروز بریم محضر. ۱۴
- به دلم ننشسته، ولی..... ۱۴
- به دلت نشست ولی..... ۱۴

بخش صفر: شعور ازدواج!؟

شعور لازم!!!

قصد جسارت نداشتیم، کمی فکر کنید، مطمئنم شما هم قبول دارید که هر کاری شعور خاص خودش را می خواهد، شعور به معنی فهم، درک و شناخت درست موضوع. هر کاری شعور می خواهد از کارهای جدی گرفته مثل تدریس کردن تا حتی فعالیتهای تفریحی مثل وسطی بازی کردن. اگر کسی شعور تدریس نداشته باشد نتیجه اش این می شود که یه دانش آموز رو به خاطر سوء برداشت معلم از او یا دادن یه ایده جدید به جای تشویق، تنبیه می کنه. اگر کسی شعور دست رشته بازی کردن نداشته باشد به خاطر محکم خوردن توپ به او، با یرتاب کننده توپ گلاویز می شود و دعوا راه می اندازد و

وقتی برای ازدواج اقدام کنیم که شعور ازدواج پیدا کرده ایم
شعور به معنی درک، شناخت درست و آمادگی برای ازدواج.

ازدواج هم شعور لازم دارد وگرنه آدم کلی سرمایه مادی و روانی را بر باد می دهد و آخرش هم احساس شکست می کند چه جدا بشه و چه جدا نشه شبیه کاری که این کوچولو با این تخم مرغ های با ارزش کرده است.



[HTTP://INSTAGRAM.COM/TADBIRGARE.RAHE.AMN](http://instagram.com/tadbirgare.rahe.amn)

شعور ازدواج ، خریدنیه؟

برخلاف باور اکثر آدم ها، شعور ازدواج بدست آوردنی است و خدادادی نیست. آنچه که ما انسانها به طور خدادادی برای آن آماده می شویم تمایل به جنس مخالف و جفت گیری است. این تمایل چه در ما و چه در سایر مخلوقات به طور برنامه ریزی شده در یه سنی ایجاد می شود که به آن بلوغ می گوییم. اما آیا این برای ازدواج کافیه؟ یه مثال ساده، همه ما انسانها توانمندی حرف زدن در وجودمان برنامه ریزی شده است. اول گفتن کلمات را یاد می گیریم بعد جملات کوتاه را می گوییم و بعد جملات بلند و پیچیده ولی آیا این بدین معنی است که همه ما می توانیم به خوبی در یک جمع خودمان را معرفی کنیم؟؟؟ مسلما نه. این کار نیازمند توانایی ای فراتر از حرف زدن است. اینکه یک فرد در دوران نوجوانی به بلوغ فیزیکی می رسد و به جنس مخالف میل پیدا می کند و می تواند به او وابستگی عاطفی پیدا کند به معنی آماده بودن برای ازدواج نیست. آمادگی برای ازدواج چندین مرحله دارد که قسمتی از آن رو در طول زمان رشد تا بزرگسالی طی می کنیم ولی بخش عمده اش را باید بعد از دوران نوجوانی که آماده شناخت خودمان شدیم اراده کنیم، برایش وقت بگذاریم، تلاش کنیم و با کمک گرفتن از منابع مختلف مثل کتابهای مرتبط، تجارب درست افراد متاهل و دانش افراد متخصص این حوزه بدست بیاوریم.

شعور ازدواج یعنی من به عنوان یک انسان قبل از اقدام برای ثبت ازدواج چهار مرحله را طی کنم: مرحله اول: خودم رو خوب بشناسم یعنی از نقاط قوت، ضعف، باورهایم، هدف هایم در زندگی، محدودیتهایم، داشته هایم و ... کامل آگاه شوم و پیرو شناخت خودم بفهمم چه برنامه ای برای ادامه زندگیم دارم و مسیر زندگی را مشخص کنم.

مرحله دوم: درباره جنس مخالف اطلاعات کسب کنم چون در کنار وجه مشترک انسان بودن، برخی تفاوت های بنیادین داریم که اگر آنها را شناسیم حتی در کنار یک همسر خوب نیز احساس رضایت نخواهیم کرد دقیقا مثل فردی که بهترین ماشین رو می خرد ولی نمی تونه از امکانات ان استفاده کنه و یا ازش درست مراقبت کنه چون بلد نیست و به خاطر ندانسته هایش هنگام استفاده به آن آسیب هم وارد می کند.

مرحله سوم: با توجه به ایده الی که برای همسر مناسب خودمان در نظر داریم خودمان را به لحاظ فیزیکی و روانی تا حد ممکن آماده کنیم.

مرحله چهارم: با توجه به معیارهایمان شخص موردنظرمان را انتخاب کنیم و در طول دوران آشنایی درست بودن انتخابمان را چک کنیم تا به اطمینان برسیم.

حالا خودتون بگوئید کدوم یک از این مرحله ها همینجوری، خدادادی اتفاق می افته. متأسفانه اکثر افراد حتی قدم اول رو هم قبل از ازدواج برنداشتند به همین خاطر است که ازدواج یه نقطه عطف در زندگیشون می شود یعنی وقتی درباره خودشون حرف می زنند با تعجب و گاهی حسرت می گن که قبل از ازدواج چقدر خوبی داشتند و بعد از ازدواج چقدر بدی کسب کردند و همینطور هم

همسرشان را توصیف می کنند غافل از اینکه چیزی عوض نشده و آنها همان افراد قبل از ازدواجشان هستند، فقط با ازدواج و تحت تاثیر تغییر شرایط زندگی و فشارهای ناشی از مسئولیتها و وظایف جدید ورق برگشته و جنبه های دیگر وجود آنها نمایان شده است.

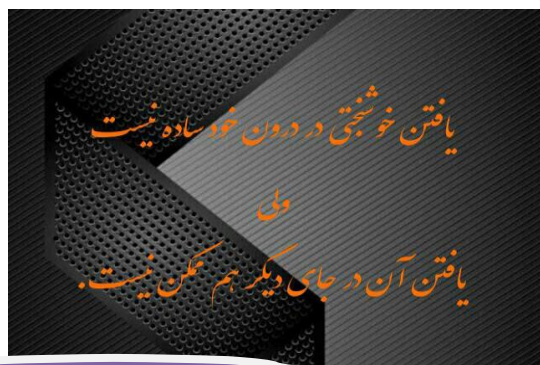
**شعور ازدواج خدای نیست، خریدنی هم نیست، قابل بدست آوردن است
اگر تصمیم بگیری برای رسیدن به آن وقت و زمان بگذاری.**

من که شعور داشتم

شاید پیش خودتان بگویید من که شعور به معنی مورد نظر شما را داشتم پس چرا شکست عاطفی را تجربه کردم. بعید است کسی قبل از ازدواج برای دستیابی به شعور ازدواج آگاهانه وقت و انرژی صرف کند ولی انتخاب درستی نکند با این وجود اگر چنین فکری درباره خودت می کنی دو تا احتمال وجود دارد اول اینکه شاید به اندازه کافی وقت نگذاشتی و صرف خواندن دو تا کتاب یا یکی دو جلسه مشاوره ازدواج احساس کردی به ته خط رسیدی درحالیکه برای این شناخت زمان بیشتری لازم داشتی.

دوم اینکه شاید با خودت صادق نبوی و با وجود اینکه به یه سری ضعفها در وجود خودت یا فرد انتخابیت آگاه بودی نخواستی درد پذیرفتنش رو تحمل کنی و یه جاهایی چشمت رو بستی. به هر حال اگر تجربه یک شکست عاطفی رو داشتی مطمئن باش یه جای کارت می لنگد و باید برای شناخت خودت و جنس مخالف وقت بگذاری.

اگر در انتخاب، تجربه شکست داشتی وقتی انگشتت رو به سمت طرف مقابل می گیری و او را مقصر اعلام می کنی سه انگشتت به سمت خودت است و تو رو مقصر می داند پس انرژی رو صرف شناخت بهتر خودت بکن تا دوباره اشتباه انتخاب نکنی.



[HTTP://INSTAGRAM.COM/TADBIRGARE.RAHE.AMN](http://instagram.com/tadbirgare.rahe.amn)

ازدواج درست، مگه داریم؟!!!

بعضی ها فکر می کنند با این آمار و ارقامی که درباره طلاق و خیانت و دعوای زناشویی در اجتماع به گوش می رسد بعید آدم بتونه یه ازدواج خوب داشته باشه. آنهایی که اینطوری فکر می کنند از یک سو درست فکر می کنند و از سوی دیگر غلط.

فکرشان درست است از این نظر که واقعا به طور کلی احتمال با شکست مواجه شدن یک ازدواج بیش از موفقیت آن است. در حال حاضر از هر سه ازدواج در کشورمان یکی به طلاق می رسد و از دو تای باقی مانده هم یک ازدواج بیمار است یعنی شاید افراد طلاق نگیرند ولی یا یک نفر برای حفظ زندگی از حق و حقوقش گذشته و بی تفاوت شده و یا دائما با هم دعوا و اختلاف نظر دارند و تنها یک ازدواج سالم است.

اما فکرشون غلط است چون می بینیم هنوز یک سوم ازدواجها سالم و سازنده هستند و دقیقا مثل سکه که احتمال شیر یا خط آمدنش پنجاه درصد است ولی برای یکی همون اول شیر می آید و برای یکی هر ده باری که پرت می کنه خط می آید هیچ دلیلی وجود ندارد که اگر تعداد ازدواجهای ناموفق بالاست، لزوما ازدواج شما ناموفق باشد. شما می توانید جز افرادی باشید که ازدواج سالمی دارند ولی چطور؟

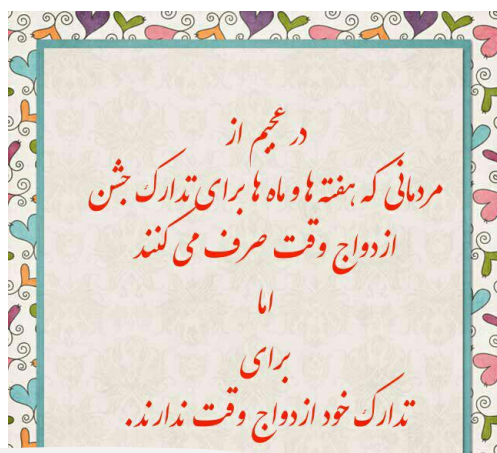
بالا بودن آمار طلاق یا ازدواج های ناموفق نباید شما را از

ازدواج منصرف کند بلکه باید هشداری برای شما باشد تا با

آگاهی و دقت بیشتر انتخاب کنید.

بی مایه فطیره.

از خودشناسی گفتیم و مراحل که لازم است قبل از ازدواج طی کنیم. سه راه دادیم: اول خواندن کتاب، دوم کمک گرفتن از متخصصین این حوزه و سوم سوال کردن از ادمها درباره تجاربشان و جذب تجارب درست. همه اینها یک وجه مشترک دارند آن هم صرف انرژی، زمان و هزینه است. برای انتخاب موفق لازم است هر سه را خرج کنید. عجیبترین جملاتی که من در این رابطه از مراجعه کنندگان می شنوم این است: "ما برای شناخت وقت نداریم باید تا فلان روز عقد کنیم." ، "تو این گرونی اینقدر هم پول مشاور بدهیم؟!!!" و "وای چه کار سختی، یعنی به این همه موضوع توجه کنم، من که حوصله اش را ندارم." و من در پاسخ به همه این بهانه ها یک دلیل می آورم: "نابرده رنج گنج میسر نمی شود، ازدواج موفق یکی از بزرگترین گنج ها در زندگی یک انسان است سالها وقت و هزینه و انرژی می گذاریم برای بدست آوردن تحصیلات، جایگاه اجتماعی، شغل، دارایی و که تنها لحظاتی از زندگی ما در کنارمان هستند و می توانند به ما آرامش و لذت دهند و نمی گوییم ندارم پس چرا وقتی نوبت به ازدواج می رسد که به معنی انتخاب همراهی است که تا پایان زندگی با ماست و ثمره وجود شما با او، می تواند حتی پس از مرگتان شما را سربلند کند یا سرافکننده، حاضر به هزینه کردن نیستید؟!!"



[HTTP://INSTAGRAM.COM/TADBIRGARE.RAHE.AMN](http://instagram.com/tadbirgare.rahe.amn)

یعنی مشاورا می فهمند!!! جل الخالق.

طی مشاوره هام وقتی روی خودشناسی و شناخت طرف مقابل تاکید می کنم همیشه با این سوال مواجه می شوم که خب من می خوام خودم رو بشناسم، می رم کتاب هم می خونم ولی یه سری چیزها رو که خودم نمی فهمم. مثلا من چه می دونم باورهاهم چیه یا دلبستگیام چه شکلیه یا اصلا بعدا قرار است با همسر چطور رفتار کنم و چه کار کنم؟ جوابش یک چیز است، از یک مشاور کمک بگیر. آن می تونه خیلی از اینها رو بفهمه و جواب سوالهایت رو بده. این رو برای بازار گرمی نمی گویم بلکه بر اساس علم است. مسلما مطالبی که من به مراجعینم می گویم و بخشی از آن در این کتاب

مطرح شده هرچند سعی شده مثل بازتعریف تجربه ها و خاطرات شخصی خیلی ساده و ملموس باشه ولی واقعا تجارب شخصی نیست بلکه دستاورد یک علم است به نام روانشناسی که یکی از اهدافش کمک به آدمها برای زندگی بهتر است پس اگر شما در رسیدن به این هدف یعنی آماده شدن برای بهتر زندگی کردن به بن بست می خوری میتونی بری و از متخصصین این رشته استفاده کنی همانطور که در زمینه های دیگه وقتی سوال داری سراغ متخصص می ری مثل مراجعه به یک معمار برای طراحی منزل، یه پزشک برای داشتن جسم سالم و

یک روانشناس می تونه براساس علمش در رسیدن به شعور لازم برای ازدواج به تو کمک کند بدون اینکه تو را قضاوت کند.

هر گردی گردو نیست.

قبل از اینکه شما بگویید خودم می گویم هر روانشناسی متخصص نیست همانطور که هر پزشکی حاذق نیست یا هر مکانیکی خبره نیست و ... پیدا کردن یک روانشناس خوب کاری است که لازم است برای آن تلاش کنی دقیقا مثل وقتی که دچار قلب درد می شوی و به جای رفتن به نزدیکترین متخصص قلب شروع به جمع اوری اطلاعات می کنی تا کسی رو پیدا کنی که بیشتر احتمال می دهی که کارش را بلد است.

حتما بریم مشاوره

این رو نه به عنوان یک توصیه بلکه به عنوان یک دستورالعمل می گویم. اگر خود را انسان سال دو هزار و عصر تکنولوژی می دانید حتما، حتما و حتما قبل از دلبسته شدن و در آغاز شکل گیری یک رابطه به قصد ازدواج به روانشناس متخصص در حوزه ازدواج مراجعه کنید. امروز عهد پدربرزگهای ما نیست که بتوانیم ازمون و خطا پیش برویم و بعد بگوییم اگر خوب شد خدا را شکر و اگر انتخابمان بد شد می سوزیم و می سازیم. بالارفتن میزان خیانتها نشان می دهد کمتر کسی حاضر به سوختن است و معمولا افراد دنبال راه میانبر می گردند یعنی به جای سوختن مسئولیت زندگی را از یک نفر می خواهند و لذت آن را از فرد دیگر. سبک زندگی امروزی بسیاری از فرصتهای شناخت را که اجدادمان داشتند از ما گرفته ضمن اینکه آدمها را به لحاظ خواسته ها و ویژگی هابسیار متنوع و پیچیده کرده است. دیگر شما نمی توانید به تنهایی همسرتان را بشناسید، شما نیاز به کمک گرفتن از علم روانشناسی دارید اگر نمی خواهید بهای گزاف مالی و عاطفی اشتباه انتخاب کردن را بپردازید. یک

مشاور می تواند با علمش و با ابزارهایش یعنی آزمونهای استاندارد روانشناختی به شما در شناخت بهتر خودتان کمک کند.

**انجام مشاوره قبل از ازدواج
یک ضرورت است نه یک توصیه.**

بخش دوم: حواست باشه.

از کی پرسیم؟

برای کسب اطلاعات قبل از ازدواج از منابع گوناگون است استفاده کنید مثل همسایه ها، اقوام فرد، هم دانشکده ای ها، همکاران و دوستان. اینکه از کدام یک از این افراد سوال کنیم تا حدی با توجه به شرایط فرد موردنظرمان متفاوت است مثلا در یک خانواده با روابط فامیلی زیاد، اقوام گزینه خوبی هستند اما برای کسی که سالها پیش از شهرستان به تهران آمده و سالی دو سه بار اقوامش رو می بیند پرسیدن از اقوام اطلاعات مناسبی به ما نمی دهد. علاوه بر این حواسمان باشد اطلاعات بدست آمده از منابع گوناگون را کنار هم بگذاریم و انتخابی عمل نکنیم مثلا اگر همسایه ها گفتند خوب است ولی همکاران گفتند زود عصبی می شود حتما به همه اطلاعات توجه کنیم. همانقدر که امکان دارد همکار به قصد خراب کردن فرد حرف زده باشد، امکان دارد واقعا فرد در محیط های آشنا ظاهرسازی کند پس سرنخ ها را جدی بگیریم.

چی رو کی بگم؟

حواسمان باشد هر موضوعی که بتواند روی رابطه شما بعدا تاثیر بگذارد باید گفته شود اعم از روابط قبلی شما یا مشکلات شخصی. اما حواسمان باشد جای همه اینها روز اول نیست. بسته به میزان خصوصی بودن مطالب آن ها را دیرتر بیان کنید یعنی زمانی که به انتخابتان مطمئن شده اید ولی قطعا قبل از عقد و رسمی شدن موضوع بگویید تا اگر فرد نتوانست بپذیرد حق انتخاب داشته باشد و بعدا حال فرد فریب خورده را نداشته باشد مثلا یکی از مراجعین من چهار ماه بعد از ازدواج قصد جدایی داشت چون تازه فهمیده بود که همسرش در دوران عقد قبلی رابطه جنسی را تجربه کرده است و به او نگفته است و به عنوان یک دختر باکره او را عقد کرده است.

راستش رو بگو، به نفعت است.

موقع دادن اطلاعات صداقت داشته باشید، به هیچ وجه دروغ نگویید، خودتان را همانطور که هستید معرفی کنید البته لازم نیست چیزهایی رو که بر رابطه آیتان تاثیر ندارد و برای شما هم آزاردهنده است بگویید مثلا خاطره اولین شکست عشقتان در هفده سالگی ربطی به همسران در بیست و هفت سالگی ندارد ولی اختلاف پدر و مادران در رابطه با اقوام پدری و مادری که روی میهمانان شما در مراسم عروسی تاثیرگذار است و موضع گیری شما در این موضوع، موضوع مهمی خواهد بود.

نمی دونی، سوال کن.

در دوران آشنایی از سوال کردن نترسید، زیاد سوال کنید، نهایتاً به اختلاف می رسید و جدا می شوید. مطمئن باشید درد جدایی در این مرحله کمتر از درد احساس فریب خوردگی پس از عقد و انتخاب بین ماندن اجباری یا طلاق گرفتن است. سوال کنید و دنبال جوابهای منطقی باشید. خانمی تعریف می کرد: "در دوران نامزدی چندبار به منزل مادر شوهرم رفتم، اتاق گوشه حیاط توجهم را جلب می کرد ولی شوهرم می گفت انباری است. یکی دو بار دیدم مادر شوهرم برای آن اتاق غذا می فرستد ولی سوال نکردم چون شوهرم دفعه های قبل عصبانی شد. بعد از ازدواج فهمیدم برادرشوهرم معتاد است و در آن اتاق زندگی می کند. حالا حالم از خانواده شوهرم به هم می خورد."

اگه دروغ می گه

در مواجهه با دروغ چشمتان را نبندید. دروغ علامت بزرگی است. حتماً فرد را با دروغ هایش مواجه کنید و توضیح قانع کننده بخواهید. اگر دروغ ها تکرار شد تردید نکنید که فرد مقابلتان مناسب ازدواج نیست.

خوب نگاش کن، رنگ رخسار خبر می دهد از سر درون.

برای درآوردن دروغ آدمها لازم نیست فقط در کلامشان دقت کنید به حالتهای چهره و بدن فرد هم توجه کنید. وقتی به خواستگارتان می گوئید میخواهم ادامه تحصیل بدهم با لحنی تمسخرآمیز می گوید "حتماً بده." کنجکاو شوید و دقیقتر سوال کنید. وقتی می گه من با پدرم مشکلی ندارم ولی از آوردن اسم پدرش تا حد ممکن اجتناب می کند، بی تفاوت رد نشوید.

می خوای برات چه کار کنه؟

خودشناسی قبل از ازدواج برای این است که سنگهای را باخودت وابکنی و دقیقاً بفهمی از همسرت چه می خواهی. باور تون می شه من مراجعی داشتم که بعد از بیست سال زندگی و سه فرزند به طلاق فکر می کرد چون به خواسته هایش جواب داده نمی شد ولی وقتی بررسی کردیم دیدیم او هنوز خودش نمی دونه دنبال چه چیزی می گرده، چه برسه به اینکه بخواد خواسته هایش را به طرف مقابلش بگوید. در زمینه تحصیل، روابط اجتماعی، روابط عاطفی، نیازهای جنسی و تکلیفت را با خودت روشن کن و در دوران نامزدی شفاف خواسته هایت را بیان کن تا طرف مقابلت بتونه بهت بگه که از پس آنها برمی آید یا خیر. قطعاً خانمی که مذهبی بودن برایش به معنی حداقل هفته ای سه روز نمازجماعت در مسجد خواندن است نمی تواند تحمل کنه که همسرش سالی یکبار با او مسجد بیاید آن هم شب یست و یکم ماه رمضان به مدت یک ساعت.

دیروز به چیز می گفت، امروز به چیز دیگه.

گاهی اوقات می بینی فرد ثبات عقیده نداره، امروز به چیز می گوید فردا به چیز دیگه. امروز از به چیزی می گذرد فردا آن را پیراهن عثمان می کند. حتما در چنین مواردی فرد را با تناقض گویی هایش مواجه کن و اگر ادامه داد او را کنار بگذار یا حداقل با هم به یک روانشناس مراجعه کنید.

مطمئنم بزرگتر باشه، آسمون به زمین نمی یاد.

اگر خانم از آقا بزرگتر باشد آسمون به زمین نمیآید ولی توصیه می شود فاصله سنی ۳ تا ۷ سال بزرگتر بودن آقا رعایت شود. در این خصوص عدد مشخص نمی دهند چون سن عقلی مهمتر از سن تقویمی است با این وجود با توجه به بلوغ زودتر خانمها و اوجهای میل جنسی در دو جنس فاصله بیان شده رعایت شود.

یه ترفند، چه کار کن که خودش رو رو کنه.

در دوران نامزدی زمانهای ملاقات را طوری طراحی کنید که مدت طولانی با فرد یا خانواده ها بیرون باشید مثلا یک کوه رفتن از صبح تا غروب البته با رعایت شرط در محیط کاملا خصوصی قرار نگرفتن. آدمها در زمان خستگی یا موقعیتهای پیش بینی نشده مثل اظهارنظرهای ساینی به جز همسر احتمالی، بهتر خودشان را نشان می دهند. حواستان باشد این ملاقاتها در محیطهای مختلف باشد یه دفعه کوه، یه دفعه زیارتگاه و

من می خوام با تو باشم، به خانوادت چه کار دارم، عزیزم.

یادتان باشد در فرهنگ ایرانی افراد بخشی از هویتشان با خانواده معنا می یابد حتی در خانواده هایی که ظاهرا فرزندان و والدین به شدت با هم در تضاد هستند. پس به هیچ وجه رویاهایی مثل قطع رابطه با خانواده ها یا محدود کردن اثر خانواده در حد یک میهمانی را در ذهن نیپورانید. ازدواج در ایران فقط وصلت دو نفر نیست بلکه وصلت دو خانواده است پس برای خانواده همسرت هم در ذهنت معیارهایی بگذار و دنبال وصلت با چنان خانواده ای باش.

رابین هود یه دونه بود، اونم مرد.

بعضی وقتها آدمها در دوران نامزدی متوجه اشتباه بودن انتخابشان می شوند ولی می مانند چون دلشان به حال طرف مقابل می سوزد مثلا به خود می گویند اگر با او ازدواج نکنم خودکشی می کند و یا او خانواده مناسبی ندارد و من نباید ترکش کنم و مواردی مثل این. حواستان باشد قرار نیست شما

در ازدواج نقش ناجی را به عهده بگیرید. ازدواج یک معامله پایاپای است و نقشهای افراد در آن تعریف شده است. ماندن به خاطر نجات دیگری یعنی قربانی کردن خودتان.

اصلا زبون داره؟

کم حرف بودن یکی از ویژگی هایی است که به طور عمومی مورد تحسین است ولی واقعا حسن نیست. کم حرف بودن گاهی رفت ولی به خاطر اینکه ویژگی فردی است ولی در موارد دیگری نیز یک نشانه است یعنی فرد کم حرف می زند چون اسراری دارد که نمی خواهد آشکار شود و یا چون قصد خوب جلوه دادن خود در حضور شما را دارد و یا چون اعتماد به نفس ضعیفی دارد و یا از این ویژگی راحت عبور نکنید. مراجعی داشتم که می گفت تا شش ماه بعد از عقدم وقتی به پدر و مادرم از فحاشی های شوهرم شکایت می کردم باور نمی کردند چون شوهرم در خانه ما اصلا زبان نداشت و همین مزیت برتر او در مقایسه با شوهر سابق خواهرم بود که زود جوش و اهل امر و نهی بود. در مراجعات بعدی مشخص شد همسر این فرد پارانوئید است.

ترمز رو بکش.

مراجعی می گفت یکسال است که با فردی آشنا شدم، همه جور به او راه امده ام و حتی گفته ام که نداشتن درامدش برایم مهم نیست با این وجود نمی آید با خانواده ام آشنا شود و هر بار قرارها را کنسل می کند. مشکل چنین فردی از اینجا برخاسته که این خانم در طول این یکسال هر جا که فرد مقابل خواسته های او را نادیده گرفته و با رفتارش باعث ناراحتی او شده، بر اساس احساسش به قدم عقبتر رفته تا دوباره ناراحتی ایجاد نشود غافل از اینکه وقتی خودش خودش رو نادیده میگیرد قطعاً طرف مقابل هم او را نمی بیند. یادتون باشه قبل از ازدواج باید با خودتون کنار بیایید که می خواهید تو زندگی کدوم قطار رو وار باشید و به کجا برسید و بر اساس آن خواسته هایتان را مشخص کنید و از فرد مقابل قاطعانه بخواهید و گرنه بعد از مدتی می بینید که بر خلاف میلان سوار قطار طرف مقابل شده اید و دارید به سمت مقصدی حرکت می کنید که برای او خواستنی است اما شما رو نابود می کنه .

آه ه ه ه ه ه، بیا تا این جهنم با تو بهششششششش شود، بیا.

گاهی ادمها از مسئولیتهایی که در خانه پدری به دوش آنها گذاشته می شود خسته می شوند، گاهی از مشاجرات اعضای خانواده خسته می شوند، گاهی نمی توانند با اعضای خانواده رابطه برقرار کنند و به شدت احساس تنهایی می کنند، گاهی به خاطر ضعفهایشان از طرف خانواده تحت فشار هستند و همه این موارد طبیعی است، زندگی هیچ کس کاملاً سفید نیست، رشد آن است که آدمها یاد بگیرند چگونه به تنهایی ولی با خودسازی با لکه های سیاه زندگیشان کنار بیایند. اما

متأسفانه برخی افراد ترجیح می دهند به جای پیدا کردن راه حلی برای مشکلاتشان از آنها فرار کنند. اگر کسی فقط با این هدف می خواهد ازدواج کند که به بهشت گمشده اش برسد چنین کسی مناسب ازدواج نیست و اگر خودتان هم فکر می کنید که با ازدواج از ناملایمات کنونی‌تان نجات می یابید مطمئن باشید که آنچه به دنبالش هستید سراب است و ازدواج نمی تواند درمان مشکلات شما باشد. اگر کسی یاد نگرفت با تنهایی خودش کنار بیاید، بعد از ازدواج دیر یا زود این تنهایی به سراغش می آید اما با شدت بیشتر .

یه پسر و دختر، تو یه خونه خالی. واااااااااااااااااااای.

در دوران نامزدی از حضور در مکانهای خصوصی مثل خونه خالی، هتل و ... اجتناب کنید. میل جنسی شوخی بردار نیست. دوران نامزدی صرفاً برای شناخت شما از طرف مقابل است و بها دادن به هیجانات و امیال جنسی جلوی شناخت صحیح طرف مقابلتان را می گیرد. اگر در این خلوتها رابطه ای به خواست دو طرف ایجاد شود یا از آن بدتر دخترانم به اجبار وارد رابطه جنسی شود عواقب جبران ناپذیری خواهد داشت چون تضمینی برای ازدواج نیست و اگر هم ازدواج صورت گیرد اعتمادتان به یکدیگر می تواند خدشه دار شود. یکی از مراجعینم که پس از شش ماه عقدکردگی در آستانه طلاق بود تنها دلیلش رو برای ازدواج با فردی که تعادل روانی نداشت، این بیان کرد: "در دوران نامزدی من رو به یک رستورانی برد و آنجا به اجبار کسی که همراهش بود من را داخل اتاق کرد و به زور با من رابطه جنسی برقرار کرد و من از خجالت و ترس اتفاقی که افتاده بود پای سفره عقد نشستم. بعداً فهمیدم چون خانواده شوهرم تمایل به زن گرفتن برای او نداشتند این کار رو با من کرد تا نتوانم در دوران نامزدی پشیمان شوم و همه جوره پای او بمانم."

مادر بزرگم لب گوره، یه آرزو داره: دیدن عروسی من.

همانطور که پیش از این تاکید کردم ازدواج خوب مقدماتی دارد که نیازمند صرف زمان است. شما یکبار زندگی می کنید و طبیعتا تمایل دارید ان یکبار هم که ازدواج می کنید وارد رابطه دلخواه و مناسب خودتان شوید پس به هیچ وجه با عجله کردن خودتان را قربانی ارزوها و خواسته های دیگران نکنید. چند روز پیش در اینستاگرامی پیامی داشتم از دوستی که می گفت: "من از پسرعموم خوشم نیامد ولی می دونم نه بگم فامیل به هم می ریزد. چه کار کنم؟" توصیه من این بود که خواسته اش را با احترام و قاطعانه بگوید و روی آن بایستد. او مسئول به هم ریختن یک فامیل با عقاید ناسالم نیست، او مسئول خودش و آینده اش است. این کار سخت هست ولی دردش کمتر از هم سقف شدن با کسی است که از او خوشش نمی آید. این مخالفت چند روز تا چند هفته نقل مجالس است ولی ان ازدواج تا پایان عمر گریبانگیر فرد خواهد بود. پایان چنین ازدواجهایی این است که فرد چند ماه دیگر دچار مشکلات روحی می شود. ان وقت قطعا این ادمها به مدال فداکاری نمی دهند بلکه با انگ روانی بودن از او دوری می جویند."

حلقه گمشده نامزدی

در نامزدی ها معمولا یک حلقه گمشده وجود دارد آن هم تلاش برای شناخت دقیق است. در این دوران افراد بیشتر از شناخت همدیگر انرژی شان را صرف تدارکات جشنهای بعدی و لذت بردن می کنند تا جاییکه بسیاری اوقات آشکارا چشمشان را به روی عیبهای طرف مقابل می پوشانند که مبادا فلان مجلس بد برگزار شود. خانمی می گفت همسرم در شب عقدکنان موضوعی را بهانه کرد و شروع به فحش دادن به پدر و مادرم کرد. من همان جا تصمیم گرفتم تمامش کنم ولی پدر و مادرم گفتند: "چون میهمان دعوت کردیم، ابروریزی می شود و مرا دعوت به بردباری کردند. الان با یک فرزند دارم جدا می شوم چون دیگر تحمل رفتارهای شوهرم و خانواده اش را ندارم. آنها هیچ ارزشی برای من و خانواده ام قایل نیست و من حتی از خواهرشوهرم کتک می خورم."

اگه دیگه گیرم نیاد، چی؟

اگر چشم پوشی هایت از کاستیهای طرف مقابل به این خاطر است که می ترسی نقصی آشکار شود و فرد فعلی رو از دست بدهی و بعد از این فرد دیگر نتوانی ازدواج کنی یادت باشه ازدواج اگر خوب باشه مزایای زیادی دارد اما اگر بد باشد دردش به مراتب بیش از درد احساس تنهایی و طعنه های اجتماعی برای مجرد ماندن است. اگر ازدواج نکنی مزه یک سری لذت ها را از دست می دهی اما چیزهای دیگری داری که می توانی با آنها خوش باشی مانند آدمی که پا ندارد ولی بقیه اندامهایش سالم است اما اگر ازدواج نامناسب کنی هرچند ظاهرا همه اعضا را داری اما این اعضا عفونی است و کارایی ای که تو انتظار داری نخواهند داشت.

بخش سوم: تا کی ادامه بدهم؟

دیروز اومدن خواستگاری، امروز بریم محضر.

فاصله بین آشنایی تا عقد حداقل شش ماه باشد منوط بر اینکه در این شش ماه رفت و آمد و ارتباط وجود داشته باشد و از یک مشاور سرخ بگیرد که در ارتباطهایتان درباره چه مسایلی صحبت کنید. برای محضر رفتن عجله نکنید. کل فرآیند ثبت ازدواج نیم ساعت طول می کشد ولی وای به روزی که بخواهید طلاق بگیرید. اگر قرار باشه با چند ماه عقب افتادن عقد، فرد رو از دست بدهید همون بهتر که الان از دستش بدهید.

به دلم ننشسته، ولی....

ازدواج سه بعد دارد هوس، صمیمیت و تعهد. هوس اولین قدم برای رابطه ای است که می خواهد به ازدواج منجر شود پس اگر فرد به دلتان ننشست و به عنوان جنس مخالف برایتان جذاب نبود جلوتر نروید حتی اگر سایر ویژگی هایش به نظر ایده آل است.

به دلت نشست ولی....

اولین علامت برای جلو رفتن در رابطه به دل نشستن است ولی یادتان باشد این کافی نیست. امروز مراجعی داشتم که در فضای مجازی با آقایی آشنا شده بود که تصویر و صدایش برای او جذاب بود و در مقایسه با سایر خواستگاران او را به لحاظ جنسی تحریک می کرد اما متأسفانه این آقا رفتارهایی داشت که نشان می داد قصد سواستفاده دارد تا برقراری ارتباط با هدف ازدواج. قریب به دو ساعت من با مراجع صحبت کردیم که این ویژگی به تنهایی نه برای شما صمیمیت می آورد و نه تعهد آن آقا را تضمین می کند پس بهتر است رابطه قطع شود. پس اگر بعد از جاذبه ظاهری در خصوصیات فرد چیزی پیدا نمی کنید که با خواسته های اصلی شما منطبق باشد ادامه ندهید.

مرف آفر

ازدواج موفق حاصل شانس نیست گنجی است که باید برای بدست آوردنش تلاش کرد.